

بررسی کتیبه‌های قرآنی در هنر و معماری*

اعظم پویازاده** و محمدرضا رسولی راوندی***

چکیده

کتیبه‌های قرآنی در طول تاریخ، همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران عرصه هنر و معماری بوده است. تکرر و تنوع آثار موجود در این زمینه، خود گواه این مدعاست. پژوهش کتیبه‌های قرآنی در هنر و معماری اثر شیلا بلیر و جانانان بلوم در این حوزه و نیز معرفی برخی پژوهشگران و توصیف نسبی آثار آنها در این زمینه، اشاره به ظروف مورد استفاده برای کتیبه‌های قرآنی (سکه و سفال) و نیز برشمردن ملاک‌ها و معیارهای مورد توجه طراحان و سازندگان (از قبیل مقدار فضای ممکن برای خلق اثر)، ایمان و عقاید، نقش و کاربرد آیه (همخوانی موضوع آیه با محل مورد استفاده)، شرایط و مواضع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، گامی مهم در اثبات نقش و اهمیت قرآن و آیات آن در سازه‌ها و اماکن مذهبی به شمار می‌آید. در این نوشتار گزارشی مختصر از این اثر، همراه با نکات و نقد تکمیلی همچون نقد معماری سکولار ارائه می‌شود.

کلید واژگان: قرآن، کتیبه، آیات، سکه، سفال، ملاک‌های گزینش.

مقدمه

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲.
** دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): puya_tu@yahoo.com
*** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث: mr.rasuli@ut.ac.ir

کتیبه‌های قرآنی از جمله مواردی به شمار می‌روند که به صورت پیوسته و بایسته، در سازه‌های گوناگون کاربرد داشته‌اند. کتیبه‌هایی که خود، الگویی برای ساخت و سازه‌های مذهبی نیز به شمار رفته و بعضاً از شهرت جهانی برخوردارند؛ از این رو، بررسی و مطالعه روی این کتیبه‌ها از موضوعاتی است که همواره مورد توجه مستشرقان قرار گرفته و در این زمینه مقالات متعددی از سوی آنها منتشر شده است. مسئله‌ای که به نظر می‌رسد، کمتر مورد توجه محققان و پژوهشگران اسلامی حداقل در ایران قرار گرفته است؛ بنابراین، آشنایی با پژوهشگران این حوزه و آثار آنها، شناخت کتیبه‌ها قرآنی و نیز اطلاع از انگیزه‌ها و ملاک‌هایی که مورد توجه طراحان و سازندگان آنها بوده، می‌تواند گامی مفید در این راستا به شمار آید. لذا این نوشتار، گزارشی از موضوع کتیبه‌های قرآنی در هنر و معماری، اثر شیلا بلیر (Sheila Blair) و جانانان بلوم (Jonathan Bloom) به صورت مختصر، همراه با نکات و نقد تکمیلی ارائه می‌کند.^[۱]

۱- پژوهش در حوزه کتیبه‌های قرآنی^[۲]

به رغم فراگیربودن کتیبه‌ها، مطالعه و پژوهش دربارهٔ آنها، نسبتاً یک رشتهٔ جدید به شمار می‌رود. ادعایی که نویسنده، آغاز آن را متعلق به اوائل نیمه قرن گذشته می‌داند و معتقد است در وقایع نامه‌های مربوط به قرون وسطا، نه نامی از کتیبه‌های قرآنی وجود دارد و نه دلیلی برای چرایی گزینش بعضی متون خاص. شاید علت آن، آشکار بودن علت گزینش چنین کتیبه‌هایی بوده است. عاملی که حتی باعث شد بعضی اندیشمندان اولیه تا آنجا پیش بروند که از کتیبه‌های قرآنی به عنوان موضوعی غیر قابل طرح و بی‌ربط یاد کنند.^[۳]

در ابتدای امر، نویسنده برای نشان دادن اهمیت کتیبه‌های قرآنی و پژوهش روی آنها،^[۴] علاوه بر ذکر چند تن از پژوهشگرانی که در این راستا فعالیت داشته‌اند، چند نمونهٔ مشهور از آنها را نیز معرفی می‌کند؛ مانند ستون انتهایی مناره جام که در روستایی دور افتاده در کشور افغانستان کشف شده است و با سوره مریم به خط کوفی ترصیح شده است.^[۵] یا کتیبه روی آرامگاه سلطان حسن در قاهره (حاکم سال‌های ۷۵۷ ق_ ۱۳۳۵ م) که شامل آیه نور (آیه ۳۴ سوره نور) می‌باشد.

این کتیبه‌های قرآنی که مطابق اصول معماری بنا شده‌اند آن قدر برجسته و نمایانند که

نویسنده با استناد به گفته اریکا دُد (Erica Dodd)، محقق و پژوهشگر در این زمینه، عبارت «جهان نما» را برایشان استعاره می‌گیرد (E.Dodd, ۱۹۶۹, ۳۵-۶۲).

پژوهشگران مختلفی در این زمینه تحقیق و بررسی انجام داده‌اند؛ مانند: اریکا دُد و شیرین خیرالله، که فهرستی در سال ۱۹۸۱م. گردآوری کردند، شامل چهارهزار نمونه گلچین از معماری و طرح‌های عمده مربوط به این هنر در بلاد مرکزی اسلام است.

اَلگ گرابار^[۶] نیز از محققان قدیمی در این زمینه است که در سال ۱۹۵۹م، پژوهش‌های خود را روی گنبد مسجد صخره (قبة الصخرة)^[۷]، اولین نمونه معماری اسلامی ثبت شده، شروع کرد. نویسنده، پژوهش وی را خیلی مهم و با ارزش معرفی می‌کند؛ چرا که معتقد است آیات قرآنی نوشته شده روی کتیبه‌ها، قبلاً خیلی مورد توجه قرار نمی‌گرفتند و اقدام وی ثابت کرد که سازه‌ها به همراه کتیبه‌هایشان، نماد و سمبلی از ایمان راستین و حقیقی است که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان به دنبالش هستند (G. Grabar, ۱۹۵۹, ۳۳-۶۲). در حقیقت، پژوهش وی باعث شد که محققان بعدی نیز مانند وی روی یک سازه بزرگ و مهم مانند بیمارستان نورالدین در دمشق یا ضریح سلطان حسن در قاهر تمرکز کنند.

وین بگلی (Wane Begley)، از دیگر پژوهشگران معروف است که نویسنده، نظریه‌های وی را مورد تأمل می‌داند؛ برای مثال، وی در پژوهشی که روی تاج محل در سال ۱۹۷۹م انجام داد، به این نتیجه رسید که استفاده از کتیبه‌ها در سازه‌ها، برای هرچه بهتر توصیف کردن ماهیت آن سازه است. وی به منظور اثبات نظریه خویش، آرامگاه همسر شاه جهان را مثال می‌زند و می‌گوید «این آرامگاه ساخته شده، نمونه مشابه دیگری از عرش الهی است که بر سر در بهشت قرار دارد» (W.Begley, 1979: 37-7).

اما نویسنده استدلال وی را با توجه به قابلیت معناپذیری چندگانه و تفسیرپذیری متفاوت آیات قرآن رد می‌کند و ادعا می‌کند، فهرستی که توسط دُد و خیرالله در این زمینه فراهم شد، برای مسئله تکرر نسبی هر بخش مجزای قرآنی مناسب به نظر می‌رسد (Dodd the image of the word and Khairallah, C.F: Blair, Islamic inscriptions, 337-42). چرا که حاصل تحقیق این دو پژوهشگر دو جلد کتاب است که از جمله کتب مرجع در این رشته به شمار می‌رود و از نخستین آثار ارزشمند برای مطالعه فن معماری در کتیبه‌های قرآنی است. جلد اول این کتاب دربردارنده مقالاتی مربوط به سازه‌های مختلف و جلد دوم آن

مشمول بر سه فهرست جداگانه و مختلف از کتیبه‌های قرآنی ذیل است:

- ۱- فهرست عددی که بر اساس آیات و سوره‌های قرآن مرتب شده است.
- ۲- فهرست جغرافیایی که بر اساس کشورهای کتیبه موردنظر در آن وجود دارد، مرتب شده است.
- ۳- فهرست نوعی که بر اساس مکان و منطقه‌ای که آن نوع خاص از سازه در آن وجود دارد، از قبیل کاروان‌سرا، مسجد، موزه و ... تنظیم شده است.

لازم به ذکر است که نویسنده در ادامه توضیح و معرفی این اثر، از این مجموعه دو انتقاد به عمل می‌آورد؛ یکی اینکه می‌گوید مطالب این کتاب برگرفته از آثار موجود پیش از آن می‌باشد، از جمله کتاب (*Repertoire chronologique d'epigraphic arab*)؛ که گزارشی طبق ترتیب زمانی از کتیبه‌های عرب است که در سال ۱۹۳۱م. منتشر شد (نوشته‌های اسلامی، ۲۰۷-۱۰، S.Blair، CF). دیگر آنکه این مجموعه، بسیاری از مواردی را که دیگر آثار چاپ شده به زبان عربی و ترکی است، ذکر نمی‌کند^[۸].

اساس کار و چارچوب گفتار نویسنده را ملاک‌های گزینش و انتخاب آیات قرآن (کل سوره یا بخشی از آن) برای نوشته شدن روی کتیبه‌ها تشکیل می‌دهد، اما در خلال بحث، از دو شیء که غالباً آیات قرآن را روی آنها می‌نگاشتند و به نوع خود کتیبه‌ای تشکیل می‌دادند، نام برده می‌شود که قبل از بررسی ملاک‌ها، به اختصار این دو شیء پرکاربرد در این زمینه معرفی می‌شود.

۲- جایگاه نگارش آیات قرآن

در این مقاله به این مطلب اذعان شده که اکثر کتیبه‌های قرآنی در اماکن مذهبی و امثال آن چون کاروان‌سراها، موزه‌ها، مناره‌ها، بقعه‌ها و ... به کار رفته‌اند^[۹]. نیز اینکه که بعضی مکان‌ها به رغم دارا بودن کتیبه‌های قرآنی برای مراسم تشریفاتی مناسب‌تر به نظر می‌رسند؛ مانند کتیبه‌های موجود در قلعه‌ای معروف در گرانا (قرطبه/ کشور اسپانیا). نویسنده به این اصل اشاره می‌کند که به طور کلی، کتیبه‌های قرآنی در بافت‌های رفاهی - تجملی (مادی) کاربرد نداشته‌اند و هر جا مورد استفاده قرار بگیرند، باید ظاهر طرح با حرمت متن مطابقت داشته باشد.

سکه‌ها هم نشان‌دهنده ارزش و اهمیت کتیبه‌های قرآنی هستند و هم نشان‌دهنده این موضوع که چرا بعضی از آیات قرآن، برگزیده و معرفی می‌شوند.^[۱۰]

اولین سکه‌های طلا و نقره که توسط مسلمانان ساخته و طراحی شدند، تقلیدی از سکه‌های پیشینیان آنها به شمار می‌رود؛ مانند تصاویر امپراتور ساسانی، امپراتوری روم، تمثال حضرت عیسی (علیه السلام) و... ولی دیری نپایید که عبدالملک خلیفه وقت امویان، دستور داد روی سکه‌ها آیاتی نوشته شوند که مضمونی در رابطه با «ایمان» و نقش آن در تحکیم امت مسلمانان داشته باشد.^[۱۱] برای نمونه، متن روی سکه‌ای حاوی جمله‌ای درباره یکتایی خداوند یعنی: «لا اله الا الله وحده لا شریک له» و متن پشت سکه هم سوره توحید را در برمی‌گرفت. این سکه‌ها تا زمان انقراض سلسله بنی امیه (۱۳۲ق/۵۷۰م) و در کل خلافت عباسیان به عنوان سکه‌های معیار باقی ماندند.

در مورد سکه‌ها بیش از این اشاره‌ای نمی‌شود، اما باید گفت که حاکمان آن سال‌ها گاهی از این سکه‌ها به منظور اثبات و اعمال قدرت خویش استفاده می‌کردند. نمونه این کار، سکه‌های ضرب شده با آیات ابتدایی سوره مبارکه حدید توسط الخالد سلطان ابوسعید^[۱۲] است که بعد از چهارماه توطئه و زد و خورد، در پی مرگ غیرمنتظره پدرش به کرسی خلافت نشست. مطمئناً قصد وی بر حذر داشتن مدعیان رقابت بر سر تخت خلافت بود (S.Blair, 1983, 295-317).

۲-۲- سفال

از دیگر جایگاهی که آیات قرآن را روی آن می‌نگاشتند، ظروف سفالی می‌باشد.^[۱۳] نویسندگان با اشاره به کشف اجزای ظروف سفالینه لعاب‌دار مربوط به مقرر حکومت عباسیان (سامرا) در قرن نهم هجری در رودخانه دجله و فرات (Tigris) منقوش به عبارت قرآنی ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ﴾ (بقره/ ۱۳۷) که با ترکیب شیمیایی آبی رنگ و به صورت راست گوشه (مربع مستطیل) رنگ‌آمیزی شده بودند، کاربرد چنین ظروف و ذوق هنری طراحان آن زمان را ثابت می‌کند، به طوری که می‌گوید: «اتحاد مجلل و زیبای عبارت قرآنی بر ترس از بدنام شدن متن (تحقیر و بی احترامی به متن)، به دلیل نوشته شدن روی یک شیء پیش پاافتاده و معمولی، می‌چربد به طوری که با کمی پیچ و تاب دادن عبارت، بیش از آنکه توجه به

ظروف مورد استفاده جلب شود، به نقش و نگار و انسجام و اتحاد حروف عبارت معطوف می‌شد و از همه مهمتر، هدف، رساندن معنا و مفهوم عبارت به خواننده متن مد نظر بوده است».

۳- ملاک‌های گزینش

منظور از ملاک‌های گزینش، مولفه‌هایی است که طراحان^[۱۴] و سازندگان کتیبه‌ها طبق آنها آیات قرآن (کل سوره یا بخشی از آن) را برای نوشته شدن روی کتیبه‌ها انتخاب می‌کردند. گرچه مطالعات جامع و اطلاعات دقیق از اصلی‌ترین منابع اسلامی مربوط به کتیبه‌های قرآنی در دست نیست، نویسنده، ارزیابی همین منابع را برای رسیدن به ملاک‌هایی که طراحان و سازندگان این کتیبه‌ها به کار می‌گرفتند، کافی می‌داند. ملاک‌هایی که ممکن است یک طرح، چندتای از آنها را در برگیرد؛ لذا این اصول، انحصاری نیستند. در این مقاله، مهمترین این ملاک‌ها معرفی می‌شوند:

۳-۱- فضا (مکان)

اولین اصلی که نویسنده آن را مورد توجه طراح، سازنده و بانی می‌داند، تناسب فضای موجود با متن منتخب است. وی علت شهرت سوره‌های کوتاه همچون سوره حمد را که می‌توانستند به تمامه روی کتیبه نگاشته شوند، همین امر می‌داند.

سؤالی که در این زمینه، ذهن مخاطب را درگیر می‌کند، این است که با این حساب، تکلیف متون طولیل قرآن چه می‌شود؟ برای خروج از این مشکل، چندین راه حل که مورد توجه طراحان بوده، یکی خلاصه و کوتاه کردن متون طولانی است؛ مانند کتیبه تاج محل که وصفی از دو گروه انسان‌های نیکوکار و بدکار را شامل می‌شود؛ چراکه مضمون کلی سوره انسان مربوط به وصف این دو گروه است^[۱۵].

راه حل دیگر، این بود که آیات آغازین سوره‌ها را به جای کل سوره می‌نگاشتند تا این گونه وانمود کند که کل سوره نگاشته شده است؛ مانند آیاتی که روی کاشی‌های مجلل عمارتی واقع در شهر کاشان در قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ بنا شد به طوری که در مرکز این طرح، شعله‌های آتش زبانه می‌کشید و در حاشیه کاشی‌ها، آیات قرآن مکتوب شده بودند

(اساسی‌ترین منبع برای شناخت آثار معروف شهر کاشان کتاب آثار مشهور فارسی از O.Waston می باشد (لندن faber و faber، ۱۹۸۵).

راه حل سوم که در اوایل اسلام کاربرد بیشتری داشت، تلفیق و ترکیب عبارات قرآنی بود. بدین صورت که با ترکیب عبارات ناهمگون یا حذف و اضافه مناسبتی این عمل انجام می‌شد؛ مثلاً عبارتی راجع به یکتایی خدا با بخشی از آیات ۳۵ سوره صافات و ۱۶۳ سوره بقره با هم تلفیق شده و کنار هم نگاشته شده‌اند. نوشته‌های حک شده روی صخره‌ها و سنگ‌های منطقه حجاز، چنین دخل و تصرفاتی را به خوبی نشان می‌دهد (برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر.ک: کتیبه شناسی Hoyland).

۲-۳- ایمان و عقیده

دومین مؤلفه‌ای که نویسندگان اشاره می‌کند، درباره ایمان به خدا و به تبع آن انتخاب دین اسلام و ذکر عبارات همسان شهادتین می‌باشد. در واقع، آیاتی که به نحوی از تسلیم همه جانبه در برابر پروردگار دم می‌زند، در بسیاری از کتیبه‌ها دیده می‌شوند و بعضاً چنین آیاتی مسمی به اسم خاصی می‌شوند.

مانند آیه الکرسی (بقره/ ۲۵۵) که زیباترین تداعی کننده عظمت الهی است و با اقرار به یگانگی خدا آغاز می‌شود که در مسجد اموی دمشق معرق کاری شده است. از دیگر نمونه‌ها می‌توان به سوره توحید یا عبارت قرآنی ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾ (آل عمران/ ۳) اشاره نمود^[۱۶].

۳-۳- نقش و کاربرد آیه^[۱۷]

سومین معیاری که نویسندگان آن را در انتخاب آیات قرآن و نگاشته شدنشان روی کتیبه‌ها مؤثر می‌دانند، همخوانی بین موضوع آیه با محلی است که آیه در آنجا به کار رفته است؛ به عبارت دیگر، بعضی آیات می‌توانند با موضوع خاص کتیبه‌ای که روی آن نگاشته می‌شوند، همخوانی داشته باشند که این امر، از ارتباط مضمون و مفهوم آیات و مضامین قرآنی با محل قرار گرفتن آنها در مساجد و دیگر اماکن مذهبی خبر می‌دهد.

نکته جالب توجه در باره این ملاک، قابلیت اجرای آن هم نسبت به کل سازه است هم نسبت به اجزای یک سازه؛ مانند این آیه که در مساجد (یک سازه کامل) نقش می‌بندد: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ...﴾ (توبه/ ۱۸).

اجزای سازه نیز مطابق با آیات خاص از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ مثلاً روی سردرها

عبارت ﴿رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾ (اسراء/ ۸۰) نقش می‌بست که ورود و خروج راستین (با معرفت) از خدا می‌طلبد و دورتادور محراب‌ها، آیه ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ...﴾ (اسراء/ ۸۰) نقش می‌بست.

برای استناد به آیاتی که مربوط به خانه کعبه می‌باشد، آیات ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران که روی پرده کعبه نقش بسته‌اند، انتخاب می‌شد^[۱۸].

از نمونه‌های جالب و پرکاربرد مورد اشاره در این زمینه، سنگ‌های قبر و آرامگاه‌هایی است که غالباً با آیاتی منقش می‌شدند که تداعی‌کننده ایمان و یا شهادت فرد متوفی می‌باشد؛ مثلاً اگر فرد متوفی، لقب «شهید» می‌گرفت، روی سنگ قبر وی آیه شهد الله که مرجع مناسبی برای تطبیق این لقب با عبارت به کار رفته در آیه به شمار می‌رود، نوشته می‌شد: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ...﴾ (آل عمران/ ۱۸).

در مورد سنگ‌های قبر، لازم است گفته شود، آیات به کار رفته روی آنها گاهی به سبب شهرت زمانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ مانند: ﴿أَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ (حج/ ۷)؛ «بدون شک روز قیامت فرا می‌رسد و خداوند در آن روز، افراد را (برای حساب و کتاب) از قبورشان بیرون می‌آورد».

این شیوه در قرون هشتم و نهم هجری به دلیل تشکیک عده‌ای از مسلمانان نوظهور در مسئله معاد، بسیار به کار می‌رفت (R. Hoyland، محتوا و متن کتیبه‌های اولیه عربی، مطالعات ارشلیم وابسته به اعراب و مسلمان‌ها، ۱۹۷۷: ۷۷-۱۰۲).

نکته آخری که درباره این معیار ذکر می‌شود، ویژگی توسعه معانی آیات قرآن می‌باشد؛ به عبارت دیگر، برخی کتیبه‌های قرآنی به کار رفته در بعضی اماکن، دال بر معنای توسیعی آن آیات نیز می‌باشند؛ برای مثال، تاج و تختی که در سالن نشست نمایندگان رسمی کشورها در قلعه گرانا (واقع در کشور اسپانیا) وجود دارد، با سوره (مُلک) منقش شده است. سوره‌ای که با قدرت مطلق پروردگار آغاز شده و موضوعاتی چون معاد، حیات و خلقت هفت آسمان و... را در برمی‌گیرد. سقف با شکوه این سالن از هزاران چوب مجزا تشکیل شده است که با دشواری به صورت طاقی هرمی شکل، همراه با شش ردیف ستاره حول یک قبه مرکزی با همدیگر جفت شده‌اند. مطمئناً این یک درک طبیعی از آیاتی است که در زیر این سقف نگاشته شده‌اند^[۱۹].

از دیگر مواردی که نویسنده در انتخاب آیات قرآن برای نوشته شدن روی کتیبه‌ها از آن نام می‌برد، دیدگاه‌های فرقه‌ای و تأثیر آن در انتخاب آیاتی است که به نوعی عقاید آنان را تأکید می‌کند. نمونه‌ای که در مورد کتیبه‌های ساخته شده توسط شیعیان معرفی می‌شود، کتیبه‌هایی هستند شامل آیاتی مربوط به اهل بیت پیامبر ﷺ؛ مانند آیه تطهیر: ﴿أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/ ۳۳). این آیه روی سنگ‌های قبر و بقعه‌های متعددی از شیعیان^[۲۰] حک می‌شد (C. Williams، ۱۹۸۳، ۳-۳۷، ۵۲-۵۳، ۱۹۵۸، ۲۹-۶۰).

نمونه دیگر، اقدام فاطمیان می‌باشد؛ فرقه‌ای که در این زمینه خیلی ماهر به نظر می‌رسند. به طوری که وقتی بعضی شیعیان به ذکر صلوات (دعای مخصوص پیامبر ﷺ) و اهل بیت ایشان) را نیز به کتیبه‌های آن زمان، اضافه کردند^[۲۱]. فاطمیان دو صفت «طیبین و طاهرین» را در ادامه نوشته‌های سنگ‌های قبر و دیگر متون خود اضافه نمودند^[۲۲].

۳-۵ - حوادث روز، وقایع سیاسی

آخرین مؤلفه‌ای که در انتخاب آیات قرآن، دخیل دانسته شده است، حوادث و وقایع زمان می‌باشد؛ عاملی که در کتیبه‌های مساجد^[۲۳] جامع و روی سکه‌ها بیشتر یافت می‌شود؛ برای نمونه، آیات ابتدایی سوره روم: ﴿لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ الْفَرِحَ الْمُؤْمِنُونَ * بِبَصَرٍ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ﴾ (روم / ۴ و ۵). بعد از شکست امین توسط برادرش مأمون از خلفای عباسی به حاشیه سکه‌ها افزوده شد و ملاک سکه‌های عباسیان آن زمان شد.

نمونه دیگر، نوشته روی در ورودی شمال شرقی مسجد جامع اصفهان است که با آیه ۱۱۴ سوره بقره آغاز می‌شود: ﴿وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا ...﴾ (بقره/ ۱۱۴). عبارتی که به قول ابن اثیر (م ۶۳۰ق) به دلیل آتش زدن این مسجد در سال ۵۱۵ق توسط اسماعیلیان (دشمن سلاجقه) به منظور بازسازی آن انتخاب و نوشته شد (گزارشی طبق ترتیب زمانی از کتیبه‌های عرب، ۲۹۹۱).

۴- معماری سکولار

با توجه به اینکه امروزه شاهد کم‌رنگ شدن و حتی حذف شاخصه‌ها و اصول معماری اسلامی و در عوض جایگزینی الگوهای غربی و سکولار در بناهای مختلف هستیم، لازم است در قسمت پایانی به این مهم پرداخته شود.

واژه سکولاریسم (secularism) از ماده «secular» اخذ گردیده و به معنای غیردینی و غیرمعنوی (www.oxforddictionaries.com) می‌باشد و عقیده‌ای است مبنی بر جدا شدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی. سکولاریسم به عنوان اولین شاخصه حکومت مدرنیته نیز شناخته می‌شود (موسی نجفی، تمدن برتر، ۱۳۹۰: ۱۸۱). با توجه به اینکه در اصول سکولاریسم هیچ ردپایی از دین دیده نمی‌شود، طبیعی است که طرفداران آن هر چه که رنگ و بوی دینی هم داشته باشد، زیر سؤال ببرند؛ بنابراین، عجیب نیست شاهد توطئه سکولار برای تهی کردن ذهن مهندسان معمار از اصول معماری اسلامی باشیم؛ امری که می‌توان رگه‌های آن را امروزه در بناهای معاصر ملاحظه کرد. نمونه آن برج میلاد تهران است که نه تنها هنوز نشانی از نمادهای معماری ایرانی - اسلامی در بنای ظاهری این برج به چشم نمی‌خورد، بلکه شاهد حذف نام خدا از کتیبه‌های آن هستیم. یا می‌توان از ساخت مسجد ولی عصر^ع تهران (محلۀ آرژانتین - اسلامبولی) نام برد که با معماری پست مدرنیته خود اعتراض مردم را در پی گرفت. این در حالی است که قرآن کریم شرط بانیان و آبادکنندگان مساجد را ایمان به خدا، اخلاص، اعتقاد به قیامت، اقامه نماز، ادای زکات و ترسیدن از غیر او بیان می‌کند: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَى اللَّهِ فَكَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (توبه/ ۱۸). اهمیت مسجد به عنوان یک کانون حساس و مقدس اسلامی، ایجاب می‌کند تنها کسانی که از فضایل برجسته و شرایطی خاص برخوردارند، شایستگی ساخت و تعمیر آن را داشته باشند؛ از این رو، قرآن کریم، مشرکان را در این امر شایسته نمی‌داند (رک: توبه/ ۱۷). در متون روایی نیز احادیث متعددی در مورد مسجد و شرایط ساخت آن وجود دارد؛ برای نمونه، یکی از مواردی که در ساخت مسجد نهی شده است، کنگره‌سازی است: «ابنو المساجد واجعلوها جمأ» (حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۹ق: ۵/ ۲۱۶). نیز روایت شده هنگامی که حضرت قائم^ع ظهور می‌کند، تمام مساجد دارای کنگره را خراب می‌کند (همان). در هر صورت، فردی که

مسجد را گرامی ندارد و حرمت آن را زیر پا گذارد، ملعون است: «ملعون ملعون من لم یوقّر المسجد» (همان، ۲۸۱/۱۶). در نتیجه، توصیه می شود سنت نیکوی معماری اسلامی همچنان مورد توجه مهندسان شهرسازی قرار گیرد تا شاهد نابودی میراث ماندگار هزار و چهار صد ساله معماری اسلامی و غربی سازی روز افزون مساجد و دیگر اماکن مذهبی نباشیم.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، می توان ارتباط مستقیم هنر، مذهب و شرایط اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و ... را درک کرد. در حقیقت، هنرمند مسلمان که هدف و مقصد خاصی از طرح خود دارد با توجه به مفاهیم ظاهری و باطنی عبارات قرآنی، مصادیق آیات، میزان و نحوه تأثیرگذاری آنها و از طرفی دیگر با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - که خود مسئله ساز و عامل خلق هدف در ذهن هنرمند به شمار می روند - در صدد تطبیق، تقدیس، تحمیل، تأیید و نشان دادن برتری ایده و هدف خود به مردم زمان خویش (عوام، خواص، مخالفان، دشمنان و نیز آیندگان) می باشد. وی با توجه به ملاک هایی چون مقدار فضای مجاز برای خلق اثر هنری، نقش، کاربرد و دامنه موضوعی آیه، اعتقادات شخصی و جمعی و حوادث زمان، اقدام به خلق آثار هنری روی جایگاه هایی چون سکه و سفال و ساخت کتیبه برای مساجد، کاروان سرا، آرامگاه ها، بقعه ها و دیگر ابنیه و اماکن مذهبی می کند تا علاوه بر استفاده و برخورداری روزمره مردم از تبرک و قداست نهفته در کلمات الهی، نیازهای حاکمان وقت را نیز به نوعی برآورده کرده باشند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] این مقاله مستخرج از کتاب «*the Cambridge companion of the Quran*» اثر Jane Dammen Mc Auliffe، انتشارات دانشگاه کمبریج (۲۰۰۷)، صص: ۱۶۳-۱۷۹ می‌باشد.

[۲] بهتر بود نویسنده در مدخل بحث، آیاتی که در قرآن به نوعی به هنر و معماری اشاره دارد، ذکر می‌کرد؛ مانند آیات ۱۲ و ۱۳ سوره سبأ که به ساختن چشمه ای از مس مذاب، محاریب، تماثیل، جفان و قدور اشاره دارند. یا آیه ۴۴ سوره نمل که عبارت «ممرّدٌ من قَواریر» یعنی صرح پوشیده یا مفروش در آن ذکر شده است. واژگانی که بر اماکن و ابنیه دلالت می‌کنند مانند صوامع، بیع، صلوت و مساجد (رک: حج / ۴۰) که کمابیش به صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مسجدها دلالت می‌کنند، نیز جز این دسته از آیات قرار می‌گیرند (برای اطلاع بیشتر، رک: الگ گرابار، «هنر معماری و قرآن»، ترجمه حسن رضایی هفتادار، *دوفصلنامه اسلام پژوهی*، ۱ / ۵۶ - ۶۸).

[۳] در اینکه چرا مستشرقان چنین نظری دارند یا چرا در بین مطالب تاریخی مربوط به قرون وسطی، از کتیبه‌های قرآنی و توصیفات آن خبری نیست، احتمالاً غیر از عدم آشنایی تاریخ نویسان غرب نسبت به موضوع و اهمیت مطالب آیات قرآن، دلایل دیگر از جمله منافع و اغراض سیاسی و حس حسادت غرب نسبت به پیشرفت و ترقی اعراب آن زمان در سایه تعالیم بلندپایه قرآن نیز وجود دارد. نقل قول آیت الله خویی از دوری، از وزاری اسبق فرانسه، شاهد این مدعاست: «محمد ﷺ پیامبر مسلمانان با تعالیم عالی و آسمانی خویش به آسانی توانست قبایل پراکنده عرب را متحد سازد و از آن‌ها ملت واحدی تشکیل داده، حکومت و نفوذ خویش را از اسپانیا تا شبه قاره هند گسترش دهد و در تمام جهان پرچم تمدن را به اهتزاز درآورد. آن مرد بزرگ این تحول عجیب و همه جانبه را در موقعی به وجود آورد که هنوز اروپا در ظلمت قرون وسطایی به سر می‌برد. وی سپس می‌گوید: در قرون وسطی تنها مردمی که دارای علم و دانش بودند و گوی سبقت را در این میدان از همگان ربودند، همان ملت عرب بود که ابرهای ضخیم جهالت، وحشیت و بربریت را که بر آسمان اروپا کشانده شده بود، از هم پاشیدند و آفتاب تمدن، علم و اخلاق را به آن سرزمین تاباندند. این همه پیشرفت، ترقی، تعالی و افتخارات عظیمی هم که نصیب عرب گردید، در اثر همان تعالیم

عالیه قرآن مجید و کتاب آسمانی بود که بر تمام کتاب‌های آسمانی دیگر تفوق و برتری دارد، قوانینش بر پایه عقل، استوار و پی‌ریزی گردیده، تعالیمش دارای یک روش خاص، جالب و استثنایی است (رک. خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۰ق: ۶۲).

[۴] با توجه به اهمیت موضوع، شایسته بود که نویسنده قبل از ورود به بحث، مقدمه‌ای هرچند اندک ذیل تاریخ هنر و معماری در اسلام به منظور آشنا کردن ذهن مخاطب با موضوع مورد بحث، می‌آورد. چرا که از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به شمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. معماری اسلامی به عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است. در یک نگاه جامع نگر می‌توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در بناهای اسلامی باز شناسی کرد که موجب شده تمامی آنها در قالبی واحد با عنوان معماری اسلامی در کنار یکدیگر قرار گیرند (محمدی نژاد، «حکمت معماری اسلامی»، نشریه علمی، پژوهشی دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۸۳: ۱۹ / ۵۸-۵۹). هنر اسلامی تقریباً با روی کارآمدن سلسله «امویان» در سال ۴۱ ق و انتقال مرکز خلافت امویان از مدینه به دمشق پدید آمد. با این انتقال، هنر اسلامی ترکیبی از هنر سرزمین‌های همسایه به ویژه ایران گردید. دوران خلافت عباسی که در ترویج آموزش و فرهنگ پرآوازه است، تاریخ اسلامی‌اش درخشان‌ترین است. در همین دوره میانی است که تأثیر نماهای هنر ایرانی چشمگیر شد. از استیلای مغول تا قرن هجدهم میلادی را می‌توان برای سهولت، دوره پسین هنر اسلامی نامید. اما در این میان، برنامه‌ها و گرایش‌های فرهنگی - مذهبی حاکمان تیموری (۹۱۱-۷۷۱) و صفوی (۱۱۴۸-۹۰۵) نوعی پیوند مستقیم میان هنر و مذهب به وجود آورد که موجب شد تا آنها به عنوان حاکمان و پشتیبانان بر حق جهان ایرانی به رسمیت شناخته شوند (رک: باغسرخ، «کتبینه‌نگاری؛ تأثیرپذیری هنر کتیبه‌نگاری عصر تیموریان از دوره‌های قبل و نقش آن بر دوره‌های تاریخی بعدی در بناهای اصفهان»).

[۵] از آثار به جای مانده از عصر غوریان در افغانستان، منار جام در ولایت غور است که در سده دوازدهم میلادی، در عصر سلسله غوریان بنا شده و گمان می‌رود این منار یا بُرج پیروزی نمایانگر شهر فیروزکوه پایتخت سلسله غوریان باشد. منار جام ۶۵ متر ارتفاع داشته و متشکل از یک قاعده هشت ضلعی است که ۹ متر عرض بوده و ۴ استوانه مخروطی مانند در

بالای آن است. در همسایگی جام تعداد زیادی استحکامات و برج‌ها کشف شده است که احتمال می‌رود بخشی از کارهای دفاعی محافظت‌کننده قلب سرزمین امپراطوری غوری باشد. در سال ۲۰۰۲م. مرکز حفظ میراث جهانی یونسکو خواستار ثبت این منار در فهرست میراث فرهنگی جهان شد (ر.ک: Warwick Ball, "Archaeological Gazetteer of (Afghanistan", Volume I p133).

[۶] Oleg Grabar متخصص در هنر اسلامی، در فاصله سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۹۰م. استاد تاریخ هنر در دانشگاه هاروارد میشیگان و نیز صاحب کرسی مطالعات هنر اسلامی و سردبیر مجله مقرنس بود که پس از بازنشستگی، استاد مطالعات تاریخی پرینستون شد. وی آثار بسیاری در حوزه تاریخ هنر و معماری اسلامی دارد

[۷] «قبة الصخرة» بنای سال ۷۱ق/ ۶۹۱م مسجدی است در بیت المقدس که جزء قدیمی‌ترین و مهم‌ترین آثار معماری تمدن اسلامی به شمار می‌رود. این مکان از تقدس خاصی نزد مسلمانان برخوردار است؛ چرا که مقصود از صخره در اینجا، سنگی است که برای سه ادیان آسمانی اسلام، مسیحیت و یهودیت مورد احترام است. در متون دینی آمده که پیامبر ﷺ در شب معراج، با براق (حیوانی شبیه اسب) که با اشاره جبرئیل از این صخره بیرون آمد، به آسمان‌ها رفت (ر.ک: ابن کثیر، تفسیر القرآن العظيم، ۱۴۱۹: ۵/ ۱۷؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۴/ ۱۵۱). این سنگ در داخل قبه الصخره و درست در وسط آن قرار دارد. فضای درونی این قبه، از سنگ‌های مرمر و کاشی‌های بسیار زیبا و مجلل پوشیده شده است و در سطح درونی گنبد آن، آیاتی از قرآن مجید با بهترین خط و با طلای ناب نوشته شده است (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: نجم رائف، كنوز القدس، ۱۹۸۳م؛ بكر، أشهر المساجد فی الاسلام، ۱۹۸۵م).

[۸] گرچه نویسندگان این دو نقد را بر این اثر وارد می‌کند، اما با گفته خود وی در جای دیگر متناقض می‌باشد؛ چرا که وی این اثر را یکی از سه کتاب مهم از لحاظ معرفی و تحقیق در کتیبه‌های قرآنی بداند (Dodd و Khairallah: 1981، ۲-۳۳۲؛ Blair، ۱۹۸۸، ۲۱۱؛ hoyland، کتیبه شناسی در دائرةالمعارف قرآن، ۲/ ۲۷) معرفی می‌کند. در حقیقت، این سه منبع از بهترین منابع برای مطالعه کتیبه‌های قرآنی هستند و بسیاری از سازه‌ها و

اشیایی را که در این مقاله ذکر شد در بردارد؛ بنابراین، باید گفت مجموعه فراهم شده توسط این دو پژوهشگر، اولین اثر محققانه در نوع خود می‌باشد که نه تنها مشتمل بر اطلاعات مقالات مختلف در نوع خود است، بلکه با تفکیک و دسته‌بندی کتیبه‌ها، علاوه بر معین کردن وجوه تمایز آنها، باعث سهولت مراجعه و استفاده از این فهرس نیز شده است.

[۹] به طور کلی بناهای دوره اسلامی را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: الف) بناهای مذهبی شامل مساجد، آرامگاه‌ها، مدارس، حسینیه‌ها، تکایا، و مصلی‌ها؛ ب) بناهای غیر مذهبی شامل پل‌ها، کاخ‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، بازارها، قلعه‌ها و آب انبارها.

[۱۰] بارزترین منبع معرفی مسکوتات اسلامی کتاب راهنمای M.L. Bates می‌باشد. سکه‌های اسلامی (نیویورک، دانشکده سکه‌شناسی آمریکا، ۱۹۸۲). همه نمونه‌های مذکور در این مقاله در این دانشکده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ر.ک: مقاله وی؛ سکه‌شناسی در دائره‌المعارف قرآن، ۳/ ۵۵۵-۶۰.

[۱۱] بهتر بود نویسنده جریان اصلی فرهنگ اسلامی را که در تلاش برای اجتناب یا حتی رد تصویرپردازی مسیحیت و کفار و در بیان نکات دینی و ایدئولوژیک، واژه‌ها را جانشین تصاویر نمود، سخن می‌گفت؛ زیرا قرآن در شاکله فرهنگ اسلامی اهمیت والایی داشت؛ چرا که هم قداست داشت و هم اکثر مسلمانان با آن آشنا بودند. این اهمیت تا آنجاست که ناظران به اهمیت انتخاب یک آیه خاص پی می‌بردند و آن را مطابق انتظارات حامی مالی هنر تفسیر می‌کردند. البته باید گفت در این میان، مذاهب بودایی و هندو، ظاهراً در شکل‌گیری فرهنگ اسلامی نقشی نداشته‌اند؛ اگر چه این ادعا ممکن است در آینده دستخوش تغییر گردد. این شمایل نگاری کلام خدا، هرگز به عنوان یک آموزه رسمی استحکام نیافت، اما در اوان دوره‌های اسلامی، در دوره امویان (۱۳۲-۴۱ق، ۷۵۰-۶۶۱م) رشد و نمو یافت. حتی درست آن است که ظهور این شمایل نگاری را مقارن با خلافت عبدالملک (۶۵-۶۸ق) بدانیم که عربی را زبان اداری و دیوانی قرار داد و برای نخسین بار عبارات عربی را بر سکه ضرب کرد (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: گرابار، هنر و معماری در قرآن، دوفصلنامه اسلام پژوهی، ۱/ ۶۹-۷۶).

[۱۲] ابوسعید بهادر خان (حکومت: ۷۱۶-۷۳۶ق) فرزند و جانشین سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و واپسین حاکم ایلخانان مغول در ایران و عراق بود (صفدی، الوافی بالوفیات،

۱۴۲۰ق: ۱۰/۲۰۲؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ۱۹۸۱م: ۷/۲۵۰). وی به سال ۷۰۴ق زاده شد و در کودکی به ولیعهدی منصوب گشت (شبانکاره‌ای، مجمع الانساب، ۱۳۶۴ش: ۲۷۳) و پس از مرگ پدرش به سال ۷۱۶ق بر تخت ایلخانی تکیه زد (آیتی، تحریر صاف، ۱۳۸۳ش: ۳۳۹). در عصر ابوسعید، کارهای سودمند فراوان در مکه و مدینه انجام گرفت. به دستور او حمام و مدرسه‌هایی در مدینه ساختند (ابن الوردی، تاریخ ابن الوردی، ۱۴۱۷ق: ۲/۲۷۴؛ عسقلانی، الدرر الکامنه فی اعیان المأه الثانیه، بی تا: ۱/۵۴۱). همچنین بازسازی چشمه‌های آب و آب‌رسانی به مکه به دستور وی انجام گرفت (عسقلانی، همان، ۱/۵۴۱؛ سمرقندی، مطلع الدین، ۱۳۵۵ش: ۳۸). مرگ ابوسعید را باید پایان حکومت ایلخانان دانست. او که فرزندی نداشت تا وارث تاج و تختش گردد، یکی از نوادگان تولی خان به نام ارپه خان را به عنوان جانشین خود معرفی کرد (علی یزدی، ظفرنامه، ۱۳۸۷ش: ۱/۱۹۳)، اما نه او و نه هیچ یک از امیرانی که به حکومت رسیدند، حکومتی یکپارچه و مقتدر نیافتند.

[۱۳] با توجه به اینکه ظروف سفالین، یکی از پرکاربردترین ظروف مورد استفاده برای نشان دادن هنر و ذوق معماران اسلامی مخصوصاً در دوره حکومت ترکان بوده است، شایسته بود نویسنده در این راستا نیز توضیحاتی تاریخی ذکر می‌کرد. به طور کلی، هنر سفاگری و کاشی‌سازی نزد ترکان اهمیت ویژه‌ای داشت. معماران دروه سلجوقی، ظروف سفالین را نیز به زیبایی کاشی‌های آن دوران می‌ساختند. بعضی از سفالینه‌های ری و کاشان با هفت رنگ آراسته می‌شد و پرداختن لعاب چنین ظرف‌هایی بسیار دشوار بود و بایستی چندین مرتبه آنها را در کوزه می‌بردند. به هر حال، هنرمند می‌توانست با ظرافت و با به کار بردن رنگ‌های فراوان، نقش‌های ریز از مجالس دربار و شکار بپردازد و مایه خشنودی خاطر امیری شود که این ظروف برای او ساخته می‌شد. اوج این پیشرفت را می‌توان در قرن دهم هجری و در مسجد سلیمانیه که به دستور سلطان سلیم ساخته شد و اوج آرایش هنری را به رخ می‌کشید، دانست (ر.ک: مردانی نژاد، جعفر کاشی کار و موزائیک‌سازی، ۱۳۸۲، هنر کاشی کاری و موزائیک‌سازی در اسلام از نگاه کریستین پرایس، ماهنامه هنر دینی، شماره ۱۶ و ۱۵).

[۱۴] ذکر این نکته لازم است که بدون شک اشخاص و دانشمندان مذهبی در انتخاب این آیات نقش مهمی داشته‌اند؛ زیرا آنان به علت انس با قرآن، از مفاهیم و معانی معنوی

ظاهری و باطنی آن بیشتر مطلع بوده‌اند. البته در بعضی موارد، خطاطان خود، آیات را انتخاب می‌کردند که در این حالت آنان اشخاصی معمولی نبودند (شایسته‌فر، جایگاه قرآن، حدیث و ادعیه در کتیبه‌های اسلامی، فصلنامه مدرس، ۱۳۸۰: ۲۳ / ۶۱)؛ بنابراین، باید آنان را علمایی بدانیم که می‌توانستند سبک‌های مختلف خط را در نهایت زیبایی و تکامل نگارش کنند. این خطاطان با قرآن آشنا و مأنوس بودند و بعضی از آنان قرآن را از بر داشتند. اغلب مردان با ایمان و با تقوایی که بیشتر اوقات خود را به ستایش خداوند سپری می‌کردند و به عبادت او مشغول بودند (Qazi Ahmad, 1959, 193).

[۱۵] در این باره باید به دو نکته تکمیلی که از نظر نویسنده به دور مانده، اشاره شود: یکی مبحث تناسب سوره‌ها و آیات است؛ چراکه بین آیات یک سوره از لحاظ معنایی، پیوستگی خاصی وجود دارد و نمی‌توان هر قسمت از سوره را با آیاتی که هیچ تناسب و سنخیتی باهم ندارند، تلفیق کرد (ر.ک: خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۰: ۲۵۷؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳: ۱ / ۱۶). دیگر اینکه با توجه به حذف برخی عبارات قرآنی در این روش، باید مراقب بود تفاوت فاحشی در مقاصد سوره و آیه به وجود نیاید و این کار به دست افراد عالم و آگاه به الفاظ و معانی آن، صورت گیرد (ر.ک: ابوریه، اضواء علی السنه المحمدیه، بی تا: ۸۲).

[۱۶] نمونه قابل ذکری که نویسنده می‌توانست در این مورد بدان اشاره کند، استفاده اصول اعتقادی در غالب کتیبه‌های مساجد دوران تیموری و صفوی است که اغلب با کلمه «شهادة» یا «لا إله الا الله» و «محمد رسول الله» که در برگیرنده دو اصل اساسی اعتقادات مسلمانان است و اصطلاحاً توحید و نبوت نامیده می‌شوند، مزین شده‌اند؛ مانند مقبره عبدالله انصاری در گازر هرات که علاوه بر کلمه «شهادة»، در بردارنده انواع عبارات دال بر ستایش پروردگار عالم مانند «یارحمان، یا قادر، یاسبحان» نیز می‌باشد. یا مسجد گوهرشاد که در دوران تیموریان به سال ۸۲۲ق ساخته شد و کلمه «شهادة» زینت بخش گنبد آن است (ر.ک: (Shayesteh Far, Mahnaz, 1998, p 236-237).

[۱۷] ارجاع به حوادث عمدتاً فراموش شده نیز از نقش‌های آیات قرآنی در کتیبه‌هاست که نویسنده از آن نامی نبرده است. در حقیقت، بناهای مهم معماری اسلامی علاوه بر آیات مشهور و رایج، شامل عباراتی می‌شوند که به بیان نقش‌ها یا مقاصد خاص می‌پردازند یا

اشاراتی به حوادث عمدتاً فراموش شده از اذهان دارند. نمونه‌های این وضعیت بدین قرار است: مسجد جامع اصفهان؛ مناره‌های ایران، مناره‌ای جالب در جام افغانستان؛ کتیبه‌های مسجد کوچک الأقرم در قاهره که با عبارات قرآنی، آرمان شیعی را بیان می‌کنند؛ قصر لشکری بازار غزنویان در افغانستان، تنها عمارتی که در کتیبه‌های خود به قصه سلیمان در آیه ۴۴ سوره نمل اشاره داشته است؛ مدرسه حقوق فردوس در حلب که در آن یک عبارت قرآنی نسبتاً غیرعادی (زخرف / ۶۸-۷۲) همراه با یک متن غیر عادی اسرارآمیز دیده می‌شود که به نظر قرآنی می‌نماید. گنجینه‌ای از کتیبه‌های قرآنی در مقبره‌های بزرگ امپراتوران مغول هند (۹۳۲-۱۲۷۴ ق / ۱۵۲۶-۱۸۵۸ م) برخی محققان را به این نتیجه‌گیری سوق داده است که اینه فوق، فی نفسه در اقدامی غیر عادی و تا حدودی کفرآمیز، می‌کوشند بهشت خداوند را بر روی زمین ایجاد کنند. نکته این است که انتخاب این کتیبه‌ها و عبارات قرآنی نمی‌تواند تصادفی باشد، بلکه بازتاب دغدغه‌های اصلی حامیان مالی این بناها و پیامی نیرومند به جهان خارج است و این عبارات، نقش تضمین‌کنندگان یا شاهدان کارکرد و دلیل ساخت آن بنا را بر عهده می‌گیرند (الگ گرابار، هنر معماری و قرآن، ترجمه رضایی هفتادار، دوفصلنامه اسلام پژوهی، ۱/ ۷۴-۷۶).

[۱۸] بررسی اصلی از «J.Sourdel-THomine» است، کلیدهای کعبه، نقد و بررسی مطالعات اسلامی، ۱۹۷۱: ۲۹-۸۶.

[۱۹] برای تفسیر شمایل‌شناسی کتیبه‌های قرآنی در (Alhambra یا Granada، قلعه‌ای معروف در کشور اسپانیا)، ر.ک: O.Grabar, The Alhambra، انتشارات کمبریج، MA: دانشگاه هاروارد.

[۲۰] به کاربردن آیات قرآنی در اثبات حقانیت جانشینی امام علی (علیه السلام) مانند آیه ۲۲ سوره توبه که به مقام برتری حضرت علی (علیه السلام) در پیشگاه خداوند اشاره دارد (الهی قمش‌های، ترجمه و تفسیر قرآن، ۱۳۶۳ش: ۴۱-۴۲). مسجد نائین (Blair, 1992, pp38-40) که در مرکز ایران قرار دارد و بهترین و جالب توجه ترین اثر معماری سلسله آل بویه به شمار می‌رود که هم دربرگیرنده آیات ۱۸-۲۲ سوره توبه و هم آیه ۲۳ سوره احزاب است. استفاده از نام امام علی (علیه السلام) در کتیبه‌های دوره‌های تیموری و مخصوصاً صفوی، ستایش حضرت علی (علیه السلام) در بعضی کتیبه‌های این دوره، مانند کتیبه‌های درهای چوبی امامزاده ابراهیم که در تاریخ

(۹۷۳-۹۷۲ هـ) ساخته شد (Welch, 1979, p55) ترتیب آوردن نام‌های «الله، محمد، علی» و به طور کلی ادعیه و ستایش‌های مربوط به دوازده امام مانند رحل چوبی متعلق به زمان تیموریان (Shayesteh Far, Mahnaz, 1998, p 250-268) از جمله مواردی که نویسنده می‌توانست ذیل این معیار بدان‌ها اشاره‌ای داشته باشد.

[۲۱] منظور از اضافه کردن اهل بیت پیامبر ﷺ به ادامه این دعا، کتابت این قسمت در ادامه دعا روی کتیبه می‌باشد، وگرنه امر به کامل فرستادن صلوات را خود اهل بیت ﷺ تعلیم داده‌اند (ر.ک: صدوق، امالی، ۱۳۷۶ش: ۳۸۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ۸۲/۲۷۹).

[۲۱] برای مطالعه بیشتر نسبت به سنگ قبرها ر.ک: G.Weit، کتیبه‌های مصر و سودان، نشریه آسیایی ۳۴۰(۱۹۵۲)، ۹۷-۲۷۳، و J.Bloom، مسجد غرافه در قاهره، ۱۹۸۷، (۲۰-۷).

[۲۳] یکی از مساجدی که تحت تأثیر کامل وقایع سیاسی - اجتماعی مسلمانان ساخته شد و شایسته به نظر می‌رسید، نویسنده آن را بررسی و معرفی کند، مسجد قوه الاسلام واقع در هند می‌باشد. بنایی که در نتیجه تسلط حکمرانان غزنوی و غوری در قرن چهارم و پنجم هجری قمری بر شبه قاره هند با هدف گسترش دین اسلام و نیز به دست آوردن ثروت حکمرانان هندی، ساخته شد. نمادی که به عنوان تأثیر گذارترین سیاست فاتحان جدید در فرآیند اسلامی شدن شبه قاره هند به شمار می‌آید (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: عابد تقوی، سامان فرزین، مریم زور، مسجد قوه الاسلام و قطب منار، فصلنامه شبه قاره هند، سال پنجم، شماره هفده، ۱۳۹۲: صص ۵۳-۷۲).

منابع

۱. آیتی، عبدالحمید، تحریر و صاف، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن الوردی، عمر تاریخ ابن الوردی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، امالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن حجر العسقلانی، شهاب الدین احمد، الدرر الكامنة فی اعیان المأمة الثامنة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، بیروت: مؤسسه الاعلمی، بی تا.
۷. الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه و تفسیر قرآن کریم، تهران: بنیاد نشر و ترویج قرآن، ۱۳۶۳ ش.
۸. برجانیان، ماری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ویراسته بهاء الدین، خرمشاهی، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.
۹. بکر، سید عبدالمجید، شهر المساجد فی الاسلام، عربستان سعودی: مطابع سحر، ۱۹۸۵ م.
۱۰. تقوی، عابد، فرزین، سامان، زور، مریم، مسجد قوه الاسلام و قطب منار، دانشگاه سیستان و بلوچستان، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال پنجم، شماره هفدهم، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. حرعاملی محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق مؤسسه آل‌البتی (ع)، قم: مؤسسه آل‌البتی (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: انوار الهدی، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. رجایی، رجایی باغسرخ، سید امیر، عموزاد مهدیرجی، محمدرضا، کتیبه نگاری؛ تأثیرپذیری هنر کتیبه نگاری عصر تیموریان از دوره های قبل و نقش آن بر دوره‌های تاریخی بعدی در بناهای اصفهان، اصفهان: پژوهشکده هنرهای سنتی اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸ ش.

۱۴. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدين و مجمع البحرين به كوشش نوایی، تهران: كتابخانه طهوری، ۱۳۵۳ش.
۱۵. سیوطی، جلال الدين عبدالرحمان، الدرالمنثور في تفسير المأثور، قم: كتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. شایسته فر، مهناز، جایگاه قرآن، حدیث و ادعیه در کتبیهای اسلامی، فصلنامه مدرس، دوره ۵، شماره ۲۳، ۱۳۸۰ش.
۱۷. شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، مجمع الانساب تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۶۴ش.
۱۸. صفدی، صلاح الدين خليل، الوافی بالوفیات، به كوشش الارنؤوط و تركی مصطفى، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ق.
۲۰. علی یزدی، شرف الدين، ظفرنامه، به كوشش میرمحمد صادق و نوایی، تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۲۱. قلقشندی، احمد بن علی، صبحی الاعشی، به كوشش زكار، دمشق: وزارة الثقافة، ۱۹۸۱م.
۲۲. گرابار، اُلگ، هنر معماری و قرآن، ترجمه حسن رضایی هفتادار، دوفصلنامه اسلام پژوهی، شماره اول، ۱۳۸۴.
۲۳. مجلسی، محمد بن باقر، بحار الانوارالجامعة لدرر اخبار الائمة، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. محمدی نژاد، م. حکمت معماری اسلامی، نشریه علمی، پژوهشی دانشکده هنرهای زیبا، شماره ۱۹، ۱۳۸۳ش.
۲۵. مردانی نژاد، آرش، هنر کاشی کاری و موزائیک سازی در اسلام از نگاه کریستین پرایس، ماهنامه هنر دینی، شمارگان ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۲ش.
۲۶. نجفی، موسی، تمدن برتر، انتشارات آرما، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۲۷. نجم رائف، یوسف، كُنُوز القُدس، عمان، اردن: چاپ المجمع الملكي لبحوث الحضارة الاسلامية، چاپ ۲۵، ۱۹۸۳م.

28. Blair, Sheila S. 'Islamic inscriptions', Edinburgh: Edinburgh university Press (1998).
29. -----, 'The coins of the later Ilkhanids: A typological analysis', *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 26 (1983).
30. -----, "Monumental Inscription From Early Islamic Iran and Transaxiana", New York, E. J. Brill. 1992.
31. C. Williams, 'The cult of 'Alid saints in the Fatimid monuments of Cairo', *Mugarnas* 1(1983), and 3(1985).
32. Dodd and Khairallah, 'The image of the word', Beirut: American university of the Beirut, (1981).
33. E. Dodd, 'The image of the word': Notes on the religious iconography of Islam, Beirut 18 (1969).
34. G. Wiet, 'Stèles coufiques d' Egypte et du Soudan', *Journal asiatique* 240 (1952).
35. Qazi Ahmad, "Calligraphers and painters, Iran", V. Minorsky, Washington, Free Gallery Publication, 1959.
36. J. Bloom, "The Mosque of the Qarafa in Cairo" *Mugarnas* 4 (1987).
37. J. Sourdel-Thomine, 'Clefs et serrures de al Ka'ba', *Revue des études islamiques* 39 (1971).
38. M.L. Bates, 'Islamic coins', New York: American Numismatic Society (1982).
39. -----, 'Numismatics' in Mc Auliffe (ed), *Encyclopaedia of the Qur'an*, Vol: III.
40. O. Grabar, 'The Umayyad Dome of the Rock in Jerusalem', *Ars Orientalis* 3 (1959).
41. -----, 'The Alhambra', Cambridge, MA: Harvard University Press (1978).
42. O. Watson, 'Persian luster ware', London; Faber and Faber (1985).
43. R. Hoyland, 'The content and context of early Arabic inscriptions', *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 21 (1977).
44. -----, 'Epigraphy' in J.D. McAuliffe (ed), *Encyclopaedia of the Qur'an*, 5 Vols, Leiden: Brill (2001), Vol: 2.
45. R. Hillenbrand, 'Qur'anic epigraphy in medieval Islamic architecture', *Revue des études islamiques* 54 (1986).
46. -----, 'Arabic review', 31, (November 1984).
47. Shayesteh Far, Mahnaz, "Shiite Artistic Elements in the Timurid to Early Safavid Periods", London, Book Extra, 1998, Figs.
48. Warwick, Ball, "Archaeological gazetteer of Afghanistan and its civilisations", Paris, 1982.
49. W. Begley, 'The myth of the Taj Mahal and a new theory of its symbolic meaning', *Art Bulletin* 61 (March 1979).
50. Welch, A., "Calligraphy the Arts of Muslim World New York", Dawson, 1979.
51. [www. Flight Stats.com](http://www.Flight Stats.com)
52. www. oxforddictionaries.com